

فصلنامه مطالعات سیاسی
سال سیزدهم، شماره ۵۰، زمستان ۱۳۹۹
صفحات: ۱-۱۴
تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۴/۱۶؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۷/۲۰
مقاله: پژوهشی

جریان بازگشت به قرآن در اندیشه سیاسی اسلام معاصر

امیر کردکریمی* / احسان شاکری خوئی** / رضا نصیری حامد***

چکیده

جریان بازگشت به قرآن در ابتدا با حرکت انقلابی سیدجمال الدین اسدآبادی و توجه او به مفهوم دموکراسی پارلمانی آغاز و در ادامه با طرح موضوع عمل گرایی سیاسی از جانب او دنبال شد. به دنبال آن متفکرین شیعه و سنی در تلاش برای اصلاح وضعیت جامعه ی اسلامی به تکاپو افتاده و درباره ی محتوای آن به گفتگو و اظهار نظر پرداختند؛ به نوعی که جریان بازگشت به قرآن، به گفتمان غالب امت اسلامی تبدیل شد. این جریان مفاهیم و رویکردهای مختلفی دارد که از میان این رویکردها، بحث خرافه زدایی از قرآن و اولویت قرار گرفتن آن در کنار سنت و احادیث برای تشریح، از اهمیت و مقبولیت بیشتری برخوردار است. علمای تشیع و تسنن نیز در این ارتباط نظریه پردازی نموده و غالباً همین رویکرد را مورد قبول قرار می دهند؛ مگر برخی از افراطیون که تحت عنوان قرآنیون، شهیرند و براین اعتقادند که تنها قرآن برای جامعه اسلامی کفایت می کند. محوریت مشترک جریان بازگشت به قرآن در میان اندیشمندان مختلف در عرصه سیاسی، آسیب شناسی وضعیت انحطاط حاکم بر جوامع اسلامی و تلاش برای ارائه راه حلی برای آن بر اساس آموزه های نص مقدس مسلمانان بوده است.

کلیدواژه‌ها

قرآن؛ بازگشت به قرآن؛ امت اسلامی؛ علمای اسلام.

* دانشجوی دوره دکتری تخصصی علوم سیاسی (اندیشه سیاسی) واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.
am.kordkarimi@yahoo.com

** استادیار گروه علوم سیاسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران (نویسنده مسؤول).
shakeri_ah@yahoo.com

*** استادیار علوم سیاسی، دانشگاه تبریز، موسسه تاریخ و فرهنگ ایران، تبریز، ایران.
r.nasirihamed@tabrizu.ac.ir

۱. بیان مسأله

رنسانس یا نوزایی همواره در علم و دانش رخ نمی‌دهد؛ رنسانس همواره در اجتماع و فرهنگ به وقوع نمی‌پیوندد؛ بلکه گاهی نیاز است که نوزایی در اعتقاد و اندیشه روی دهد؛ گاهی نیاز است رنسانی در جهان بینی و در رویکرد بشری به جهان پیرامون به واقعیت مبدل گردد؛ گاهی رنسانس می‌بایست در دین اتفاق بیافتد. واپسگرایی همیشه بد نیست بلکه راهی است برای رسیدن به ذات اصیل بشریت. رنسانس با این دید، به معنای بازگشت به معنای واپسگرایی است. در عصر حاضر که جامعه مسلمانان در زمینه‌های گوناگون (مثل علم، هنر، فرهنگ، اجتماع و ...) دچار بحران و بعضاً انحصار شده است؛ یک واپسگرایی اصیل و یک رجعت به دین حقیقی می‌تواند گره از مشکل جوامع اسلامی بگشاید. در همین راستا علمای دین تلاش کرده‌اند جریانی موسوم به جریان بازگشت به قرآن را به عنوان گفتمان غالب امت اسلامی، تبدیل کنند. قرآن به عنوان مهمترین سند اسلامی و اساسی‌ترین محور اتحاد مسلمانان می‌تواند، معارفی به امت اسلامی ارائه دهد که نه تنها بحران‌ها و معضلات خود را حل کند؛ بلکه نسخه نجاتی برای تمامی بشریت در سراسر زمان و مکان‌های انسانی، بیپد. البته این امر مطلق نیست و دست یازیدن به نسخه نجات بخش قرآن، مستلزم تحقق مقدمات و شروطی است که بدون این مقدمات و شروط، عملاً نسخه نجات بخش قرآن در دسترس مسلمانان قرار نخواهد گرفت. مهمترین مقدمه و شرط این امر، بازگشت به قرآن به طور صحیح و متحد بین تمامی فرق و مذاهب اسلامی است. زمانی که جریان بازگشت به قرآن تبدیل به یک مکتب شود و بتواند محوری باشد برای اتحاد امت اسلامی، نسخه نجات بخش قرآن در دسترس مسلمانان قرار خواهد گرفت. در این مقاله تلاش می‌شود به بازشناسی جریان بازگشت به قرآن و مفاهیم و رویکردهای مرتبط با آن پرداخته شود و در ادامه، این جریان از منظر علمای شیعه و سنی مورد بررسی قرار گیرد. برای تحقق این امر تلاش می‌شود نظرات دو تن از علمای شیعه و دو تن از علمای اهل سنت مشخصاً و مختصراً توضیح و تحلیل شود.

۲. جریان بازگشت به قرآن

در این مبحث تلاش می‌شود ابتدا سرآغاز جریان بازگشت به قرآن مورد مطالعه قرار گیرد و سپس جریان‌شناسی بازگشت به قرآن و رویکردهای مختلف آن بازشناسی شود.

۲-۱. سرآغاز بازگشت به قرآن

دین یک رویه انسانی است که مانند سایر رویه‌ها و مجموعه‌های انسانی، گاهی نیازمند اصلاح و بازگشت به اصول است. بسیاری از رویه‌های انسانی مثل علم، هنر و غیره با وجود پیشرفت و توسعه در ادوار مختلف حیات بشری، هر از چند مدتی، نیازمند آن هستند که به اصول و پایه‌های بنیادین خود بازگردند تا از انحراف مصون بمانند. فی‌المثل در ارتباط با هنر هر چند در سالیان و قرون اخیر پیشرفت‌های چشمگیری رخ داده و تغییرات بسیاری نسبت به ادوار گذشته نموده است؛ اما باید گفت: برخی از هنرها در دوران معاصر شکل گرفته‌اند که در گذشته وجود نداشته است؛ (مثل هنر سینما) لیکن مقوله هنر نیازمند این امر است که گاهی به ریشه خود که همان اصل زیبایی‌شناسی است بازگردد. در دوران معاصر گاهی هنرمند اصل زیبایی‌شناسی در هنر را فراموش می‌کند و ذات هنر را فدای مسائل و موضوعات حاشیه‌ای می‌کند. در اینصورت هنر و هنرمند نیاز دارد که با یک انقلاب هنری به اصل خویش بازگشته و رسالت زیبایی‌شناسی خود را مجدداً احیا نماید.

دین نیز مانند هنر و یا سایر مقولات انسانی، در گذر زمان و در طور سالیان متمادی، ممکن است از اصل خود دور شود و بعضاً دچار انحرافات نیز گردد. کما اینکه دین مسیحیت و یهودیت، در عصر کنونی از اصالت خویش منحرف شده و آموزه‌هایی غیر از آنچه هدف اصلی این ادیان بوده به پیروان خود القا می‌کنند. در ارتباط با دین اسلام نیز باید گفت، گرچه این دین دچار انحراف نشده است لیکن مسلمانان در عمل به آموزه‌های دین اسلام دچار انحطاط شده و به نظر می‌رسد از اصالت دین فاصله گرفته‌اند (مرادی، ۱۳۸۷: ۷).

در این صورت، یک انقلاب دینی و بازگشت به اصل، ضروری می‌نماید. بر همین اساس است که جریان بازگشت به قرآن به عنوان مهمترین سند و شناسه دینی، در سالیان اخیر به صورت یک تئوری جدی بین مسلمانان و به ویژه علمای اسلامی، مطرح شده است. به نوعی باید اذعان داشت سردمدار نهضت بازگشت به قرآن، سید جمال‌الدین اسدآبادی است. وی با سفر به مناطق و کشورهای اسلامی، تلاش داشت، یک رنسانس دینی ایجاد کرده و مسلمانان را به اصالت دین که همان عمل به آموزه‌های قرآنی است؛ بازگرداند. «سیدجمال کسی بود که برای اولین بار بازگشت به اسلام را مطرح کرد. کسی بود که مساله حاکمیت را و خیزش و بعثت جدید اسلام را اولین بار در فضای عالم بوجود آورد...» (مصاحبه آیت‌الله خامنه‌ای با روزنامه جمهوری اسلامی در تاریخ ۳۰ خرداد ۱۳۶۰). از دغدغه‌های سیدجمال و پیروان او، افزون بر طرح تدابیری برای مسائل و مشکلات جوامع اسلامی مختلف، تلاش برای وحدت کلیت جوامع اسلامی بوده

است به نحوی که نه فقط جوامع مختلف در پرتو آموزه‌های دینی و به طور خاص قرآن بتوانند بر مشکلات خویش فائق آیند، بلکه افزون بر آن قادر شوند ذیل نظامی همچون جهان اسلام نیز گرد آمده و قادر شوند وحدتی مناسب را بر خود حاکم سازند. البته سیدجمال بعدها از اینکه بیشترین همت خود را مصروف تلاش برای تغییر سیاست حاکمان جوامع اسلامی نموده بود، ناخشنود بود و ابراز می‌کرد که کاش این دغدغه را در بطن جامعه و در میان آحاد مردم پیگیری می‌نمود.

به طور خاص خود قضیه وحدت در جهان اسلام نیز مورد تفاسیر مختلفی قرار گرفته است و کسانی از جمله در زمانه بحران عثمانی و دیگر جوامع اسلامی می‌خواستند از آن برای خودشان بهره بگیرند با این حال سید جمال رویکردی متفاوت در این خصوص داشته است. وی ضمن اشاره به دوران عظمت و شوکت علمی و تمدنی مسلمانان، بر آن است که راز این موفقیت مسلمانان را به واقع باید در عقایدی دانست که بر اثر باور به تعالیم و آیات قرآن ایجاد شده بود و بر دل و جان مسلمانان اثر کرده بود. سید جمال بلافاصله متذکر می‌شود این اعتقاد نه فقط ایشان را دارای منزلتی عالی در امور خویش ساخته بود، افزون بر آن دل‌های ایشان را نیز به یکدیگر نزدیک ساخته و عملاً اسباب وحدت بین آنها را فراهم نموده بود. از این رو وی بر آن است که اکنون نیز همان قرآن و تعالیمش در اختیار ماست و تنها کافی است باز دیگر بدانها رجوع شود. نکته مهمی که سیدجمال بیان می‌کند، تصریح اوست به اینکه وی به هیچ وجه قصد ندارد وحدت در جهان اسلام را بدین معنا بگیرد که همگان ذیل فرمان شخص واحدی باشند بلکه ابراز امیدواری می‌نماید که قرآن سلطان واقعی در جوامع اسلامی باشد و دین نیز عامل وحدت بین ایشان باشد (اصدق‌پور، ۱۳۹۵: ۲۳).

۲-۲. جریان‌شناسی بازگشت به قرآن

بازگشت به قرآن عنوانی است که محور اصلی و شعار بزرگ‌ترین جریان‌های فکری و اصلاحی در طول تاریخ اسلام خاصه در سده اخیر قرار گرفته و جایگاه ویژه‌ای در علوم قرآنی و اندیشه اصلاحی یافته است. در ارتباط با جریان‌شناسی بازگشت به قرآن پرسش‌ها و ابهاماتی وجود دارد. مهمترین پرسشی که در این ارتباط وجود دارد این است که مراد از بازگشت به قرآن و هدف از طرح این شعار چیست؟ ابهام دیگری که در این ارتباط وجود دارد این است که آیا بازگشت به قرآن صرفاً یک شعار است و یا یک واقعیت عملی و دینی؟ و یا اینکه، آیا می‌توان مدعی شد که بازگشت به قرآن در میان مسلمانان تحقق یافته است؟ اگر تحقق یافته نموده‌ای

عملی و جلوه‌های بیرونی آن چیست؟ در ادامه به تفصیل به پاسخ هر کدام از این پرسش‌ها پرداخته خواهد شد.

چنانچه بازگشت به قرآن از جامه شعار خارج شود و به عنوان یک واقعیت دینی تفسیر گردد؛ باید گفت، تحقق این امر بسته به بازبینی و بازاندیشی در برخی مفاهیم عملی مرتبط با قرآن است. از جمله این مفاهیم می‌توان به مفهوم مرجعیت عملی و یکتای قرآن در میان مسلمانان اشاره نمود. بر اساس این مفهوم، اولین رویکرد در بازگشت به قرآن این است قرآن تنها مرجع اسلام و مسلمانان باشد و دیگر منابع متعارف تشریح همانند سنت، اجماع و... می‌تواند به عنوان ابزاری برای عملگرایی مرجعیت قرآن در نظر گرفته شود. به عبارت دیگر در دین، فقط قرآن مرجعیت دارد و دیگر منابع مثل سنت و اجماع و غیره از مرجعیت برخوردار نیستند. یکی از اندیشمندان معاصر در این خصوص می‌گوید: «جمع آوری حدیث - همان‌گونه که وی می‌گوید - بدون سند شرعی و بر اساس مصالح سیاسی انجام گرفت و از این روست که باید احادیث را فاقد مرجع تشریح دانست و باید به تأکید، قرآن را به عنوان تنها مرجع، قلمداد کرد» (مقدمه حسن حنفی بر قاسم احمد، ۱۹۹۷م: ۸).

به نظر می‌آید، چنین تلقی و برداشت از دین، خطراًفرین است؛ چه آنکه موجب تخریب بخش بزرگی از دین (یعنی سنت) می‌گردد. فی‌الواقع اگر بنا باشد قرآن به عنوان تنها مرجعیت دینی در نظر گرفته شود و احادیث و سنت معصومین، نادیده انگاشته شود؛ فاقد شیوه علمی است. البته شکی نیست که انبوهی از احادیث موضوع (جعلی) به اسباب مختلف تاریخی و سیاسی در دایره سنت دخیل بوده است؛ اما از سویی دیگر نباید تلاش‌های بی‌وقفه دانشمندان دین در حوزه حدیث‌شناسی را نادیده گرفت که با ارائه قواعد و ضوابط خاصی تحت عنوان «علم‌الرجال» توانسته‌اند تا حد زیادی سره را از ناسره تمیز دهند؛ هرچند که باب نقد متن احادیث به اندازه نقد سند توفیق نیافته است. احادیث فراوانی در میدان سنت وجود دارد که به سبب تواتر معنوی در صحت آن، اتفاق نظر وجود دارد. پس نمی‌توان به سبب وجود جمعی از احادیث موضوع و جعلی، تمام «سنت» رسول‌الله(ص) را متهم ساخت؛ بلکه به قضیه باید به میزان حق نگریست. بر همین مبنی، چنین تلقی از بازگشت به قرآن، وحدت‌آفرین نیست، بلکه عملاً موانعی بر سر راه ایجاد خواهد کرد.

مفهوم دوم که در ارتباط با بازگشت به قرآن بیان می‌شود این است که قرآن وارد زندگی مسلمانان شود. در آیه ۳۰ سوره فرقان از لسان پیامبر گرامی اسلام این گونه بیان شده است:

«يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا» این آیه به معنای آن است که مهجوریت قرآن برابر است با دام‌گستری شیاطین برای ابناء بشر، بنابراین بر اساس این مفهوم، دومین رویکرد در جریان‌شناسی بازگشت به قرآن رویکرد اهتمام به قرآن از طریق خارج ساختن آن از مهجوریت ظاهری است.

بنابراین رویکرد، قرآن را باید از دست گورستان‌ها و تزئین طاقچه‌ها نجات داد و آن را به میدان جامعه آورد و همانند دروس دیگر (فقه، اصول، منطق، فلسفه و...) جزء برنامه کتاب‌های آموزشی قرار داد و روزانه باید آن را دید و خواند و شنید (بسته‌نگار، ۱۳۷۸: ۱۸۶ و اسفندیاری، ۱۳۸۳: ۳۳۱ و مرادی، ۱۳۸۷: ۷۰). بخشی از توجه به قرآن بر مبنای توجه به نیازهای زندگی موجود و به ویژه در مقابله با دیدگاه‌های دیگر از قبیل جریان‌ات چپ بوده است به ویژه که چنین جریان‌اتی با عنوان علمی بودن توانسته بودند مقبولیت ویژه‌ای برای خود کسب کنند برای نمونه «مهدی بازرگان» در مقایسه‌ای می‌گوید: «برای کمونیست‌ها مبدأ و مبنای کتاب سرمایه (کاپیتال) بوده و هست که تغییر و تکاملش داده‌اند. اما مرجع ما قرآن است که معتقدیم از منشأ آفرینش و فطرت نازل شده و مافوق زمان و مکان و شخص است، احتیاج به تکمیل و تغییر ندارد و آلا در اصالت و اعتبارش شک خواهیم داشت... ما هستیم که باید برای جواب‌گویی به حوادث جاریه و امور، تازه به تازه از خوان بی‌انتهای آن مطالب و مایحتاج خود را درآوریم» (بازرگان، ۱۳۸۸: ۲۹).

یکی از مباحثی که ذیل بازگشت به قرآن در کنار دروس و مضامین علمی مطرح شده، خصایص این نوع تلقی از بازگشت به قرآن است که جای آسیب‌شناسی هم دارد و در آن توجه به فنون گوناگون قرآن همانند: تجوید، بلاغت و معانی و به طور خلاصه ابعاد لغوی قرآن مورد توجه قرار می‌گیرد و این شیوه، مخالفتی با دیگر منابع تشریح همانند سنت و غیره ندارد. باید اذعان داشت، این رویکرد نیز نمی‌تواند، چنان که شایسته و بایسته است نیاز جامعه اسلامی به یک انقلاب تاثیرگذار دینی را، فراهم آورد. هر چند که وجود چنین شیوه‌ای در جامعه اسلامی ضروری است؛ اما کافی نیست. وجود حافظان فراوان و قاریان خوش‌الحان و اساتید فنون لغوی، از تجوید گرفته تا بلاغت و معانی و ادبیات عرب و نیز برنامه‌های متعدد و فراوان مربوط به آموزش قرآن و مسابقات بین‌المللی قرآن در اغلب کشورهای اسلامی، مؤید و شاهد این مدعاست. اما همان‌گونه که مشاهده می‌شود جوامع اسلامی همچنان در نابسامانی و بحران دینی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی به سر می‌برند و اختلاف در بین امت اسلامی تا حد

خونریزی پیش رفته است. بر این اساس مفهوم بازگشت به قرآن، کار ساز و وحدت بخش نخواهد بود (ذوالفقارطلب، ۱۳۹۱: ۵۴).

سومین مفهوم در این جریان، بازگشت به قرآن به معنای تحصیل تجربه دینی با قرآن است. در این مفهوم شبستری متذکر می‌شود؛ هرآن‌کس که با مراجعه به قرآن کریم، تجربه‌ای حاصل نماید در حقیقت بازگشت به قرآن تحقق یافته است (یوسفی اشکوری، ۱۳۷۸: ۷۱).

این رویکرد به نوعی تلاش داشته که آثار و نتایج بازگشت به قرآن را مطرح نماید. بر همین اساس در واقع وقتی مسلمانان به نوعی با قرآن تجربه عملی داشته باشند نتایجی که حاصل خواهد شد می‌تواند، بازگشت به قرآن را رقم بزند. تا اینجا به نظر می‌رسد این رویکرد، گامی مفید در بازگشت به قرآن است؛ لیکن ضعف این رویکرد آنجا مشخص خواهد شد که این ابهام آشکار شود که درست است تحصیل تجربه عملی می‌تواند مفید باشد اما راه به دست آوردن این تجربه عملی چیست؟ آیا همه مسلمانان باید صاحب این تجربه شوند و یا اینکه تحقق این تجربه برای نخبگان جامعه اسلامی کفایت می‌کند؟ این رویکرد پاسخی به این ابهامات نداده است؛ بنابراین نمی‌تواند به شایستگی، پاسخگوی نیاز جامعه اسلامی به نهضت بازگشت به قرآن باشد.

مفهوم دیگری که در این مسیر باید مورد توجه قرار بگیرد این است که خرافات از قرآن زدوده شود و این کتاب آسمانی اولویت اول تشریح و حکم‌گذاری برای امت اسلامی باشد. اولویت اول به این معنا که تشریح بر اساس قرآن باید در بعد فردی و اجتماعی امت اسلامی، اعمال شود؛ نه اینکه امت اسلامی قرآن را به سمت ابعاد فردی سوق دهند و در بعد اجتماعی از آن صرفاً به عنوان یک کتاب مقدس یاد شود و یا به عکس احکام قرآن فقط برای تنظیم روابط اجتماعی در اولویت تشریح قرار گیرد و ابعاد فردی مسلمانان دستخوش اختیارات مذموم و افراطی شود که ره‌آورد مکاتب ناقص و ابتر انسانی و بعضاً غربی گردد. البته در این رویکرد نباید این نکته مغفول بماند که اساس تشریح قرار گرفتن احکام قرآن، می‌بایست با خرافه‌زدایی و کنار گذاشتن برداشت‌های سطحی از این کتاب مقدس همراه باشد.

در این رویکرد، قرآن در مرتبه نخست تشریح قرار دارد و این نوع تلقی از بازگشت به قرآن به مفهوم حذف دیگر مراجع تشریح، همانند سنت نیست؛ بلکه موضوع سخن، اولویت در تشریح با تصحیح و اصلاح زوائد موجود در تفاسیر قرآنی و تأکید بر هدایت‌گری قرآن و نیز دقت در صحت و سقم احادیث است (ذوالفقارطلب، ۱۳۹۱: ۵۵). به نظر می‌رسد این رویکرد نسبت به

سایر رویکردها از قوت بیشتری برخوردار باشد. بازگشت به قرآن با این مفهوم، محور شعار نهضت‌های اسلامی به خصوص در سده اخیر قرار گرفته است.

سیدجمال‌الدین اسدآبادی و شیخ محمد عبده و محمد رشید رضا از پیشگامان این شعار اصلاحی می‌باشند و همین مفهوم بازگشت به قرآن است که در معیار وحدت امت اسلامی مورد توجه است (ذوالفقارطلب، ۱۳۹۱: ۵۶).

۳. بازگشت به قرآن در اندیشه سیاسی تشیع

در میان علما و صاحب نظران تشیع، شهید مرتضی مطهری از چهره‌های شاخص و مطرحی است که در ارتباط با اندیشه‌های سیاسی اسلام، به کرات قلم‌فرسایی نموده و صاحب نظر و صاحب مکتب است. ایشان در ارتباط با جریان بازگشت به قرآن می‌نویسد: «بازگشت به اسلام نخستین و دور ریختن خرافات و پیرایه‌ها و ساز و برگ‌هایی که به اسلام در طول تاریخ بسته شده است، از نظر سید^۱، به معنای بازگشت به قرآن و سنت معتبر و سیره سلف صالح است. سید در بازگشت به اسلام، تنها بازگشت به قرآن را مطرح نکرده زیرا او به خوبی می‌دانست که خود قرآن، رجوع به سنت را لازم شمرده است» (مطهری، ۱۳۷۶: ۲۲-۲۱).

مشاهده می‌شود که شهید مطهری در نهضت بازگشت به قرآن دو نکته را به صورت مشهود مورد توجه قرار داده است. نخست اینکه قرآن و اسلام می‌بایست خرافه‌زدایی شود و پیرایه‌ها و سازو برگ‌های اضافی آن زدوده شود و دوم آنکه قرآن در اولویت تشریح قرار گیرد و بعد از قرآن رجوع به سنت از دو جهت بسیار اهمیت دارد. ابتدا آنکه سنت مکمل قرآن است و در آن زمینه‌هایی که فهم انسان از قرآن برای حل کردن مسائل و مشکلات به قدر کفایت نیست می‌توان از سنت و احادیث به منظور رفع نقص، استمداد طلبید و در ثانی اینکه سنت و احادیث، گذشته از برخی جعل‌ها و سوء استفاده‌های صورت گرفته، خود منبعی ارزشمند و گران بها هستند که در امر تشریح نمی‌توان آن را نادیده انگاشت.

امام خمینی(ره) نیز در وصیت‌نامه سیاسی - الهی خویش، قرآن را کتاب زندگی، هدایت و وسیله وحدت بین مسلمانان دانسته است؛ آن‌جا که می‌فرماید: «هرچه این بنیان کج به جلو آمد، کجی‌ها و انحراف‌ها افزون شد تا آنجا که قرآن کریم را که برای رشد جهانیان و نقطه جمع همه مسلمانان [است] ... چنان از صحنه خارج نمودند که گویی نقشی برای هدایت ندارد و کار

۱. منظور سید جمال‌الدین اسدآبادی است.

به جایی رسید که نقش قرآن به دست حکومت‌های جائر و آخوندهای خبیث بدتر از طاغوتیان، وسیله‌ای برای اقامه جور و فساد و توجیه ستمگران و معاندان حق تعالی شد و معالاف به دست دشمنان توطئه‌گر و دوستان جاهل، قرآن، این کتاب سرنوشت‌ساز، نقشی جز در گورستان‌ها و مجالس مردگان نداشت و ندارد و آن‌که باید وسیله جمع مسلمانان و بشریت و کتاب زندگی آنان باشد، وسیله تفرقه و اختلاف گردید و یا به کلی از صحنه خارج شد» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸: ۴). به نظر می‌رسد، امام خمینی (ره) آمیخته شدن قرآن با خرافات را مد نظر قرار داده است و قائل به این بوده که برای ایجاد وحدت در امت اسلامی و از میان برداشتن نابسامانی‌ها و بحران‌هایی که به نوعی گریبان‌گیر امت اسلامی شده می‌بایست با خرافات‌زدایی از قرآن و خارج نمودن آن از ابزاری برای رژیم طاغوتی، بازگشت به قرآن حقیقی در جوامع اسلامی تحقق یابد. مشابه آنچه در سیر انقلاب اسلامی ۵۷ رخداد.

امام خمینی (ره) معتقد است قرآن باید از مهبجوریت خارج شده و به مرجع تشریح حقیقی تبدیل شود تا بتواند نقش معیار در ایجاد امت واحده اسلامی را ایفا نماید. در غیر اینصورت قرآن جز تزئینی برای طاقچه‌ها و محبوس‌ها در گورستان‌ها و ابزاری برای سوء استفاده‌گران نخواهد بود.

۳. بازگشت به قرآن در اندیشه سیاسی اهل سنت

در آغاز مطلب بیان شد که سرآغاز نهضت بازگشت به قرآن و رنسانس دینی به حرکت سید جمال‌الدین اسدآبادی بازمی‌گردد. سید در این مسیر شاگردانی تربیت نمود که این شاگردان نهضت وی را ادامه دادند تا به امروز که جریان بازگشت به قرآن در مکاتب و مذاهب مختلف اسلامی به گفتمان غالب تبدیل شده است. البته مسأله‌ای که سبب شده است تا کنون این جریان به صورت ملموس اثرگذار نباشد و موجبات وحدت اسلامی را در عمل فراهم نیآورد، برداشت‌ها و آرای متفاوت و بعضاً متضاد موجود بین مذاهب و مکاتب مختلف اسلامی است.

یکی از شاگردان برجسته سید که معتقد به جریان بازگشت به قرآن است، شیخ محمد عبده می‌باشد. شیخ محمد عبده ضمن بیان بعضی از اسباب بازگشت به قرآن، مفهوم آن را چنین بیان می‌کند: «ما برآنیم که ضعف و عقب‌ماندگی مسلمانان و نیز از دست رفتن قدرت آنان، که ناشی از رویگردانی از هدایت قرآن است را بازگردانیم. عزت، قدرت و کرامت آنان فقط با رجوع به هدایت قرآن و چنگ زدن به ریسمان آن، قابل دستیابی است. مفاهیم آیات قرآنی نیز بر این

قضیه دلالت دارد. این در صورتی تحقق می‌یابد که بر احیای زبان قرآن اتفاق و تأکید گردد» (عبده و رشید رضا/ مقدمه، ۱۴۱۴ هـ.ق: ۴).

این امر بدیهی است که هر نهضت و حرکتی در آغاز راه خود، ناپخته است و در طول مسیر نهادینه شدن، رفته رفته اندیشمندان و متفکران گوناگون درباره آن نهضت، گفتگو می‌کنند و این باعث می‌شود آن نهضت رفته رفته پخته و تکمیل شود. در ارتباط با نهضت بازگشت به قرآن نیز این امر صدق می‌کند، زیرا شیخ محمد عبده که از آغازین داعیان این حرکت است به طور کلی و با سبکی نزدیک به سبک کلی‌گویی، جریان بازگشت به قرآن را بیان کرده است. مشاهده می‌شود که شیخ به طور کلی بیان داشته است که نابسامانی و عقب ماندگی مسلمانان ناشی از رویگردانی از قرآن است و مسلمانان برای جبران این عقب ماندگی می‌بایست به قرآن بازگردند. لیکن اینکه مسلمانان چگونه به قرآن بازگردند و رهبری این بازگشت به عهده چه کسی باید باشد، بیان نشده است. از طرفی دیگر شیخ بیشتر به احیای زبان قرآنی اشاره داشته است، حال آنکه در سطور فوق بیان شد که جامعه امروز مسلمانان بحران‌زده‌تر از آن است که احیای زبان قرآنی به تنهایی بتواند این بحران‌ها را سامان دهد؛ بلکه باید حرکتی عظیم‌تر در این راستا صورت گیرد. بنابراین نتیجه‌ای که حاصل می‌شود این است؛ از آنجا که شیخ جزو نخستین داعیان این حرکت است، بنابراین در زمان او این حرکت هنوز قوام و انسجام لازم را نیافته بود که شیخ هم به راه و روش و چگونگی آن اشاره نماید؛ اما تأکید او بر تربیت فردی و توجه به مسائل اجتماعی قابل تأمل است.

در ارتباط با نهضت بازگشت به قرآن دسته‌ای از اندیشمندان هستند که اصطلاحاً به قرآنیون مشهورند. صبحی منصور از اندیشمندان حنفی مذهب مصر از جمله قرآنیونی است که به شدت معتقد به جریان بازگشت به قرآن می‌باشد و چون سایر همفکران خود بر این قائل است که قرآن تنها سند نجات مسلمانان از عقب ماندگی و بحران است و به غیر از قرآن مسلمانان به چیز دیگری برای نجات، نیاز ندارند. دکتر صبحی منصور در مصاحبه با نشریه کویته الوطن به تاریخ ۲۰۰۷/۰۷/۰۲ تفکر خود را ادامه جریان ابوحنیفه و در عصر حاضر محمد عبده می‌داند. او خود را در ادامه تفکری می‌داند که به مدرسه العوده الی القرآن (بازگشت به قرآن) مشهور است و شامل تعدادی از شیوخ برجسته الازهر و متفکرین خارج الازهر می‌شود (<http://alwatan.kuwait.tt/>).

صبحی منصور ضمن احترام به جریان معتزله خود را نومعتزلی نمی‌نامد؛ هرچند منهج قرآنی و استقلال فکری و تقلیدستیزی آن‌ها را تحسین می‌کند. شیخ صبحی منصور به مانند شیخ غزالی معتقد است که مسلمانان با مهجور کردن قرآن روی به تدبر در آیات آن نیاورده و با تقلید کورکورانه از تراث و تفاسیر گذشتگان ابواب معرفتی قرآن را نمی‌گشایند (صبحی منصور، ۲۰۰۵: ۱۲۳).

جریان قرآنیون هم در میان اهل تشیع و هم در میان اهل تسنن طرفدارانی دارند و اندیشمندانی هستند که معتقد به این جریان هستند. لیکن باید گفت چنانچه در سطور فوق اشاره شد؛ یکی از رویکردهایی که در رابطه با جریان بازگشت به قرآن مطرح می‌شود این است که قرآن تنها مرجع تشریح باشد و منابع دیگر مثل سنت و اجماع طبق این رویکرد اعتباری ندارند. همچنین بیان شد که این رویکرد نمی‌تواند نقطه قوت جریان بازگشت به قرآن باشد؛ زیرا سنت و احادیث نه تنها به نوعی مکمل قرآن (از منظر فهم انسانی) هستند، بلکه خود منبع ارزشمندی تلقی نمی‌شوند؛ بنابراین نمی‌توان با افراط و تدریج فقط قرآن را مرجع تشریح دانست و از دیگر منابع رویگردان شد.

نتیجه‌گیری

بازگشت به قرآن تعبیر عامی برای جریانات مهم اسامی در عرصه‌های مختلف اعم از جنبش‌های اجتماعی و نیز معارف و علوم نظری است که چندین عامل و مولفه، برانگیزاننده آن بوده است. شاید مهم‌ترین آنها را بتوان آسیب‌شناسی وضعیت رو به انحطاط و زوال مسلمانان در دوران معاصر دانست. چاره‌اندیشی و تدبیر در این خصوص از عناصر مهم در بازگشت به قرآن بوده است. عامل دیگر در تداوم مولفه مذکور، تلاش برای نشان دادن سازگاری آموزه‌های متن قرآن با زمانه و به ویژه معارف و علوم نوین بوده است. در این خصوص تلاش بسیاری از اندیشمندان اسلامی برای نشان دادن موافقت و همراهی تعالیم قرآنی با دستاوردهای مهم تجربی و نیز ایدئولوژی‌های جدید، بخش مهمی از چالش نواندیشان مسلمان بوده است. با این حال نمی‌توان منکر شد که گاهی تکیه بر قرآن سخن حقی بوده که به اراده باطلی از آن انجامیده است چرا که عملاً موجب شده موضوع به نوعی اشعری‌گری، سلفی‌گرایی و یا اخباری‌گری منتهی گردد. چنین گرایشاتی عملاً گاه با ردّ افراطی سنت اسلامی در طول تاریخ، بر آن بوده‌اند که تنها به خود قرآن بازگردند و گویی بار دیگر ندای کفایت کتاب الهی را سر داده‌اند.

به نظر می‌رسد به‌رغم توافق نسبی در آسیب‌شناسی مشکل در جهان اسلام، راه‌حل ارائه شده از سوی اندیشمندان مختلف مسیرهای متفاوتی پیموده است. برخی از این جریان‌ها ولو با نیتی مطلوب، پیوند ناخوشایندی بین تعالیم دینی با علوم و معارف جدید برقرار کرده‌اند چرا که با این اقدام از سوی ایشان، بر اثر تطور و تغییر در دانش‌های تجربی و یا اندیشه‌های اجتماعی و سیاسی، مضامین دینی هم در معرض آسیب قرار گرفته‌اند. به هر حال دانش‌های بشری به ویژه در قلمرو علوم طبیعی دائماً در حال آزمایش و خطا هستند و اعتباری موقت دارند و لذا زمانی که معارف دینی و قرآنی بدانها پیوند زده شود، در اثر ابطال مواردی از این علوم، ناگزیر باور به گزاره‌های دینی هم متزلزل خواهد گردید. البته تلاش بسیاری از جریان‌ها بازگشت به قرآن از زمان سیدجمال‌الدین اسدآبادی به بعد بر آن بوده که انحرافات روی داده در مسیر اعتقادات و باورهای مسلمانان را مورد نقد قرار دهند که به طور خاص از زدودن خرافات در این میان سخن به میان آمده است. دشواری مسئله برای این دسته از متفکران معاصر اسلامی آن است که از سویی باید مراقب باشند به بهانه رجوع به سرچشمه مباحث اسلامی، واقعیت اکنون و گذشته جوامع اسلامی را نادیده نگیرند و از سوی دیگر به شیوه‌ای معقول تمایز بین سنت مسلمانان و خود اسلام را تشخیص دهند. چنین امری حرکتی است بر لبه تیغ که البته به آسانی هم میسر نمی‌شود.

رویکرد بازگشت به قرآن چه در میان اندیشمندان اهل تسنن و یا تشیع آن‌گاه که با نگرش اجتهادی و عقل‌گرا همراه شده است، در کنار مراجعه به آیات قرآن، توجه به فلسفه، شان نزول و روح آیات را نیز سرلوحه خود قرار داده است برای نمونه این روند در رویه کسانی همچون شهید مطهری و امام خمینی(ره) قابل مشاهده است. نواندیشان نواعترالی در میان اهل تسنن از قبیل نصر حامد ابوزید و دیگران هم کمابیش بر همین منهج پیش رفته‌اند. با این حال اهل حدیث و اخباریون شیعه و سلفی‌های اهل تسنن گاه بازگشت به صرف متن با موضع‌گیری در قبال تفسیر را پیشه خود ساخته و از این رو گاه به مشی تند و رادیکال در جریان بازگشت رسیده‌اند. کسانی از قبیل سیدقطب در زمره چنین اندیشمندانی هستند که گاه مسیر افراط را پیموده‌اند. نکته مهم آن است که در لزوم بازگشت به قرآن شاید اختلافی بین متفکران نحله‌های مختلف نباشد. مسأله مهم در این بین این نکته است که با اشاره به چنین بازگشتی، متفکران متعدد در جهان اسلام اولاً به طور دقیق چه رویکردی را دنبال می‌کنند و ثانیاً نسبت امور دیگر از قبیل سنت اسلامی، عقل و اجتهاد با چنین بازگشتی به قرآن چگونه و به چه

جریان بازگشت به قرآن در اندیشه سیاسی اسلام معاصر _____

نحوی تعریف می‌شود. به ویژه لازم است این نکته معلوم گردد که این امر از نظر استنباط احکام و قواعد مربوط به فروع که باید از اصول استنباط گردد، چه وضعی خواهد داشت.

فهرست منابع

- اسفندیاری، محمد (۱۳۸۳). پیک آفتاب، پژوهشی در کارنامه زندگی و فکری آیت‌الله سید محمود طالقانی، قم، انتشارات صحیفه خرد.
- اصدق‌پور، محمد (۱۳۹۵). «آراء تفسیری سیدجمال‌الدین اسدآبادی و ابعاد اجتماعی آن»، پرتو وحی، شماره ۵: پاییز و زمستان، صص ۳۶-۱۹.
- بازرگان، مهدی (۱۳۸۸). بازگشت به قرآن (۱) شناخت اجمالی قرآن و گزینش و آفرینش آدمیزاد، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- بسته‌نگار، محمد (۱۳۷۸). مناره‌ای در کویر، مجموعه مقالات آیت‌الله طالقانی از سال ۱۳۲۰ به بعد: توحید و استبداد، چاپ دوم، تهران: انتشارات قلم.
- ذوالفقارطلب، مصطفی (۱۳۹۱). «بازگشت به قرآن معیار وحدت امت اسلامی»، فصلنامه تخصصی حبل‌المتین، پیش شماره اول، صص ۷۵-۵۲.
- صبحی منصور، احمد (۲۰۰۵). القرآن و کفی مصدراً للتشريع الاسلامی، بیروت: انتشارات بی‌نا.
- عبده، محمد و رشید رضا، محمد (۱۴۱۴هـ.ق). تفسیر المنار، بیروت: انتشارات دارالمعرفه.
- قاسم، احمد (۱۹۹۷م). العوده إلى القرآن، مصر: مکتبه مدبولی الصغیر.
- مرادی، محمد (۱۳۸۷). «مقاله بازگشت به قرآن»، مجله میثاق، سال دوم، شماره ۷.
- خامنهای، آیت‌الله سید علی (۱۳۶۰)، مصاحبه آیت‌الله با روزنامه جمهوری اسلامی به تاریخ ۳۰ خرداد.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۶). نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر، چاپ ۲۲، تهران: انتشارات صدرا.
- موسوی خمینی، امام سید روح‌الله (۱۳۷۸). وصیت‌نامه سیاسی - الهی، چاپ دوم، تهران، انتشارات برگ‌نگار.
- موسوی خمینی، امام سید روح‌الله (۱۳۶۲). صحیفه نور، چاپ اول، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، مرکز مدارک انقلاب اسلامی.
- یوسفی اشکوری، حسن (۱۳۷۸). نوگرایی دینی «گفتگوی حسن یوسفی اشکوری با مجتهد شبستری و ...»، چاپ اول، تهران، انتشارات قصیده.